

# عیش مدام

فلو برو مادام بوواری

ماریو بارگاس یوسا

ترجمه

عبدالله کوثری



انتشارات پارس

## فهرست

سخن مترجم ۹

### قسمت اول

مقدمه ۱۳

عشق یکسره ۱۵

### قسمت دوم

مرد قلم ۶۳

عنصر افزوده ۱۳۹

پیوندها و جایگزینی‌ها ۱۳۹

انسانی شدن چیزها ۱۴۱

تبدیل انسان به شیء ۱۴۶

پول و عشق ۱۵۰

مادام بوواری و هویت مردانه ۱۵۳

دنیای دوتایی ۱۵۹

چهار زمان مادام بوواری ۱۸۲

زمان واحد یا مشخص ۱۸۳

زمان دَوْرانی یا تکرار ۱۸۵

زمان بی جنبش یا ابدیت متجسم ۱۹۱

- ۱۹۳ زمان خیالی  
 ۱۹۷ تغییرات راوی  
 ۱۹۸ راوی-شخصیت جمع: «مای» اسرارآمیز  
 ۲۰۰ راوی دانای کل  
 ۲۰۲ راوی نامرئی  
 ۲۰۶ فیلسوف-راوی  
 ۲۱۰ شخصیت-راوی واحد  
 ۲۱۳ کلمات ایتالیکی: سطح کلامی  
 ۲۱۸ تصاویر مزاحم  
 ۲۲۰ سبک غیر مستقیم آزاد

#### قسمت سوم

- ۲۲۷ نخستین رمان مدرن  
 ۲۲۷ تولد ضدقهرمان  
 ۲۳۱ رمان یعنی فرم  
 ۲۳۹ تک‌گویی درونی  
 ۲۴۰ تکنیک‌های بی‌طرفی: رمان رفتارگرا  
 ۲۴۳ برتولت برشت و فلوبر: پارادوکس  
 ۲۴۷ ادبیات همچون مشارکت منفی در زندگی

## مقدمه

مسئله از یک سو احساسی است که اِما بوواری<sup>۱</sup> در اولین (یا دومین یا دهمین) دیدار در خواننده بیدار می‌کند، یعنی محبت یا بی‌اعتنایی یا نفرت. از سوی دیگر این مسئله که خود رمان چه چیزی است، بی‌توجه به تأثیری که از خواندن آن پدید می‌آید. یعنی داستانی که تعریف می‌کند، منابعی که به کار می‌گیرد و این که چگونه خود را تبدیل به زمان و زبان می‌کند. و سرانجام این مسئله که این رمان چه معنایی دارد، نه برای آنان که می‌خوانندش، یا همچون چیزی مستقل، بلکه با توجه به رمان‌هایی که قبل از آن یا بعد از آن نوشته شده است. تأکید بر هر یک از این سه بدیل به معنای گزینش شکلی از نقد است. راه اول، که روشی فردی و ذهنی است، در گذشته رایج بوده، مدافعان این روش آن را رویکردی کلاسیک می‌خوانند و خرده‌گیران امپرسیونیستی می‌نامندش. راه دوم که روشی مدرن به شمار می‌آید، مدعی علمی بودن است و مدعی تحلیل عینی و پیروی از قواعد عام و جهان‌شمول، هرچند بی‌گمان ماهیت این قواعد بسته به گزینش منتقد (روان‌شناختی، مارکسیستی، سبک‌شناختی، ساختارگرایانه و ترکیبی از اینها) تفاوت می‌کند. راه سوم، بیشتر با تاریخ ادبیات سر و کار دارد تا نقد به معنای رایج آن.

در عمل، منتقدان هر عصر همزمان از این سه دیدگاه سود جستند. تفاوت در این است که هر دورانی و هر شخص و هر گرایشی، بر یکی از آنها تأکید می‌نهد و

---

1. Emma Bovary

آن را به منظوری خاص عمده می‌کند. منتقد دوران‌های پیش که داوری را بر حس تشخیص خود استوار می‌کرد، معتقد بود شخصاً تجسم الگویی ارزشی است، بنابراین عقایدش ارزشی عام دارد. منتقد امروزی می‌داند که خرد و دانش او – دست‌کم به هنگام گزینش موضوع تحقیق – از ذهنیت او و تأثیری که فلان کتاب خاص بر او نهاده تأثیر می‌پذیرد و سمت و سو می‌گیرد. افزون بر این امپرسیونیست‌ها و علم‌گرایان همواره کوشیده‌اند با نشان دادن معنای اثر با توجه به گذشته و آینده ژانر آن، جایی برای اثر مشخص کنند.

در این کتاب کوشیده‌ام هر سه هدف را جداگانه تحقق بخشم و از این روی کتاب را به سه قسمت تقسیم کرده‌ام. قسمت نخست گفتگویی خصوصی با اما بوواری است که در طی آن طبعاً بیشتر از خود سخن گفته‌ام تا از او. در قسمت دوم، تمام تلاشم این است که صرفاً بر رمان مادام بوواری تمرکز کنم و تا حد امکان به گونه‌ای عینی شکل‌گیری و تولد آن را توضیح دهم و این را که این رمان چیست و چگونه چنین که هست شده است. و سرانجام در قسمت سوم، کوشیده‌ام جایگاه این رمان را مشخص کنم و بنابراین بیشتر درباره رمان‌های دیگر حرف زده‌ام، رمان‌هایی که وجودشان و غنایشان در گرو این رمان بوده است.

## عشق یکسره

کار نقد آسان‌تر می‌شود اگر منتقد پیش از آغاز نقد ذوق و پسند خود را اعلام کند، زیرا هر اثر هنری کیفیتی خاص دارد که از شخص هنرمند سرچشمه می‌گیرد و این جدا از شیوه اجرای اثر برای ما دلیلیزیر یا آزاردهنده است. از این روست که تنها آثاری که عواطف و ذهن ما را به یکسان خشنود می‌کنند، ستایش بی‌حد ما را برمی‌انگیزند. کوتاهی در تشخیص این تمایز اساسی، اغلب به داوری ناروا می‌انجامد.

پیشگفتار آخرین سروده‌ها<sup>۱</sup> اثر لویی بوئییه<sup>۲</sup>

از اسکار وایلد نقل می‌کنند که گفته «مرگ لوسین روبمپره<sup>۳</sup> درام بزرگ زندگی من است.» من همیشه این گفته را به معنای واقعی کلمه درست پنداشته‌ام. شماری اندک از شخصیت‌های داستانی تأثیری چنان ژرف بر زندگی من نهاده‌اند که بسیاری از آدم‌های واقعی که می‌شناختم قادر به آن نبوده‌اند. هرچند نمی‌توان انکار کرد که به هنگام حضوری واسطه شخصیت داستانی و انسان واقعی، تماس مستقیم و واقعیت انسان واقعی – آخر هیچ چیز به اندازه جسمی که می‌توانیم ببینیم و لمس‌اش بکنیم واقعی نیست – شخصیت داستانی را در محاق می‌برد، اما این تفاوت زمانی از میان می‌رود که این دو شخصیت پاره‌ای از گذشته، پاره‌ای از

1. *Demieres Chansons*

2. Louis Bouilhet

۳. Lucien Rubempré، قهرمان رمان جلال و نکبت روسپیان نوشته بالزاک. م.